



بررسی رابطه بین استراتژی‌های تجاری شرکت و توانایی مدیریت در دوره بحران مالی با کیفیت سود

دکتر سید محمود موسوی شیری

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران

صغری سبزی^۱

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

احسان قدردان

مربی گروه حسابداری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ دی ۱۴۰۱)

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین استراتژی‌های تجاری شرکت و توانایی‌های مدیریت با کیفیت سود در دوره رخداد بحران مالی (رکود اقتصادی) می‌باشد. برای این منظور بحران مالی به عنوان یک متغیر تعدیلگر بر رابطه بین استراتژی‌های تمایز و رهبری هزینه و توانایی مدیریت با کیفیت سود در نظر گرفته می‌شود. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش مورد استفاده در آن از نوع توصیفی همبستگی و مبتنی بر اطلاعات منتشره از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ و براساس نمونه‌ای شامل ۱۲۱ شرکت بوده که روش آماری بکار رفته شامل الگوی رگرسیون چند متغیره برازش داده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که بحران مالی رابطه بین استراتژی تمایز و کیفیت سود را تقویت، رابطه بین استراتژی رهبری هزینه و کیفیت سود را تضعیف و بر رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود بی‌تاثیر است.

واژه‌های کلیدی: استراتژی‌های تجاری، توانایی مدیریت، بحران مالی، کیفیت سود.

^۱ rahasabzi70@gmail.com

مقدمه

تدوین استراتژی در علم مدیریت همانا یکی از وظایف خطیر مدیریتی به عنوان مبنای برای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران جهت حفظ بقای سازمان و تعالی آن است [۹]. استراتژی تجاری شرکت نشان دهنده شیوه رقابت شرکت در بازار انتخابی خود شرکت است. شرکت می‌تواند با استفاده از مجموعه ای از تدابیر و فعالیت‌هایی که بتواند با استفاده از آن به یک برتری رقابتی باثبات در بازار انتخابی خود دست پیدا کند، استراتژی خود را تقویت کند [۱۹]. در واقع، سیاست شرکت یک چارچوب اساسی است که عوامل سازنده محیط اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این عوامل در بردارنده افشای اختیاری، تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت، گزارشگری مالی و کوشش سرمایه‌گذاران برای کسب اطلاعات محرمانه است [۲۹].

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد چگونه اعتبار مدیرعامل شرکت تقریباً بر هر جنبه‌ای از ارزیابی شرکت تأثیر گذار است. متخصصان، توانایی مدیریت برای برآورد عملکرد آینده شرکت را بسیار مورد توجه قرار می‌دهند [۱۱]. همچنین، توانایی مدیریت از جمله خصوصیات ذاتی مدیر است که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار نمی‌گیرد. در حقیقت توانایی مدیریت را می‌توان حصول مهارت مدیریت فرد یا افرادی بیان کرد که مسئولیت مدیریت امور سازمان را در اختیار دارند. بخشی از اثربخشی شرکت توانایی مدیریت است که تحت تأثیر خصوصیات ذاتی شرکت قرار نداشته باشد [۵]. لذا مدیران، کیفیت سود و در نتیجه کیفیت گزارشگری را با اتکا به توانایی تحلیلی و قدرت تخمینی خود بهبود می‌بخشد؛ که این در مطالعات تجربی دمبرجیان و همکاران [۳۱] نیز به اثبات رسید به طوری که آنان وجود ارتباط مستقیم میان توانایی مدیریت و کیفیت سود و به دنبال آن کیفیت گزارشگری مالی را نشان دادند [۵]. از سویی، طبق نظریه نمایندگی، مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران در شرکت‌ها، براساس تصمیمات تجاری که در مورد پروژه‌های عملیاتی شرکت می‌گیرند، کیفیت سود را تغییر می‌دهند. مدیران دارای توانمندی بالاتر این توانایی را دارند که به سرعت شناخت کافی از صنعت واحد در تصدی خود را کسب نمایند و مدیریت بهتری را برای پروژه‌های تجاری به کار گیرند تا بازده بالاتر و ریسک کمتری ایجاد شود. لذا اگر مدیران، در طرح‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که بر اثر عواملی چون عدم برآورد صحیح از خالص جریان‌های نقدی پروژه‌های سرمایه‌گذاری، خوش‌بینی بیش از حد و عللی از این قبیل، باعث متحمل کسب زیان برای شرکت شوند؛ در این صورت از دستکاری سود برای ممانعت از خدشه دار شدن اعتبار خود و حفظ موقعیت و پست و از همه بااهمیت تر تداوم در کسب پاداش از سهامداران استفاده کنند.

بدون شک توجه به ویژگی‌های مدیران در شرکت‌ها از جمله مهمترین دغدغه‌های مالکان واحدهای اقتصادی می‌باشد. توجه به این مهم که مدیران نقش حیاتی در میزان موفقیت شرکت داشته و می‌توانند با انتخاب صحیح بهترین استراتژی‌ها برای واحد اقتصادی سودآوری و خلق ارزش نمایند عاملی است که ضرورت انجام پژوهش در این حوزه را مشخص می‌سازد. آنچه مطالعه حاضر را از سایر مطالعات حوزه مالی متمایز می‌سازد، توجه به بحران مالی به عنوان یک متغیر اقتصادی می‌باشد. بحران مالی نتیجه ناتوانی شرکت در کسب سهم مناسب از بازار محصول و یا حتی عوامل کلان اقتصادی همچون رکود و

کاهش تولید ناخالص داخلی می‌تواند باشد. در شرایط فعلی جوامع، که بحران‌های مالی گوناگون همواره واحدهای اقتصادی را تهدید می‌کند، توجه به شرایط و عواملی که می‌تواند منجر به مدیریت بحران و مدیریت ریسک ناشی از آن گردد بسیار شایان توجه می‌باشد. این امر سبب خواهد شد تا مدیران به فکر تغییر در استراتژی‌های تجاری خود و یا حتی دستکاری سود جهت مناسب نشان دادن وضعیت مالی شرکت افتاده و کیفیت سود را کاهش دهند. با توجه به آنچه در فوق بیان شد، در این پژوهش تلاش می‌شود تا نقش تعدیلگر دوره رخداد بحران مالی بر رابطه بین استراتژی‌های تجاری و توانایی‌های مدیریت با کیفیت سود را مورد ارزیابی قرار دهد که باعث تمایز بیشتر پژوهش حاضر با مطالعات دیگر می‌باشد.

بیان مسئله

ارتباط بین توانایی مدیریت و کیفیت سود و اثر تعدیلی بحران مالی

شرکت‌ها در طول دوران فعالیت خود دارای نقشی مهم در اداره شرکت و واکنش مناسب به تحولات محیطی خود هستند. با توجه به خطرات مقابل آنها، این مسئله موجب شده که مسئولیت توانایی مدیریت در بهتر شدن عملکرد شرکت، بخش گسترده‌ای از تحقیقات حوزه مالی و حسابداری را شامل شود [۲۲]. توانایی مدیریت، یکی از جنبه‌های سرمایه انسانی شرکت هاست که در گروه‌های نامشهود قرار می‌گیرد. دمیرجان و همکاران [۳۲] برای اولین بار اقدام به طراحی مدلی نمودند که با استفاده از متغیرهای حسابداری توانایی مدیریت را به صورت کمی اندازه‌گیری می‌نمود [۶]. در واقع می‌توان گفت، مدیران توانمند می‌توانند با فهم بهتر خود از شیوه‌های گزارشگری مالی و ناتوانی‌های موجود در کنترل داخلی شرکت‌ها، استفاده کرده و به موقعیت‌های موجود تقلب پی برده و به برنامه‌ریزی سیاست‌های مناسب برای پنهان کردن آن بپردازند [۱۰]. با این حال تحقیقات گذشته [۳۲] این مسئله را نیز یادآوری می‌کند که مدیران تانا می‌توانند اثرات مناسبی بر تدابیر شرکت‌های بزرگ و نتایج گزارش‌های مالی داشته باشند. آن‌ها قدرت بهم مناسب تری از وضعیت داخلی و خارجی شرکت داشته و از قدرت بسیاری در ارتباط با اقلام تعهدی برخوردارند. توانایی مدیریتی بیشتر می‌تواند سبب مدیریت اثربخش‌تر فعالیت روزانه شرکت شود، به خصوص در دوره‌های درماندگی مالی، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند اثر چشم‌گیری بر عملکرد شرکت داشته باشد [۲۸]. می‌توان گفت آشفتگی مالی از جمله مسائلی است که در صورت رویارویی با آن مدیریت شرکت، دست به کارهای ویژه می‌زند. در حالی که اگر شرکت‌ها با آشفتگی مالی روبرو شوند برای نجات یافتن از مخارج ورشکستگی، به مدیریت سود دست زده و از اقلام تعهدی بیشتری نسبت به دیگر شرکت‌ها استفاده می‌کنند که این موضوع، کیفیت سود را تحت تاثیر قرار می‌دهد [۱۸]. در حقیقت به دلیل توانایی انعطاف‌پذیری ذاتی که در بعضی از استانداردهای حسابداری وجود دارد و توصیف و استفاده از این شیوه‌ها، در خیلی از موارد تابع داوری و اعمال نظر مدیران است؛ این موقعیت برای آن‌ها بوجود آمده تا با استفاده از شیوه‌های گوناگون از جمله اقلام تعهدی حسابداری، سود ارائه شده را دستکاری نمایند [۲۴]. از جمله زمینه‌های پربسامد تحقیقات حسابداری و مالی که در سال‌های اخیر توجه و تمرکز بر آن بیشتر از پیش شده است، کیفیت سود است. کیفیت سود، میزان نمایش عملکرد شرکت و وضعیت اقتصادی توسط صورت‌های مالی را منعکس میکند

[۳۸]. کیفیت بالای سود، باعث افزایش قابلیت اتکای گزارشات مالی شده؛ که این افزایش قابلیت اتکا، نشان دهنده ارائه منصفانه شرایط اقتصادی شرکت ها توسط صورت های مالی است [۳۰]. از معیارهای گوناگونی از جمله توان به هنگام بودن سود، پیش بینی سود، ثبات سود، سطح محافظه کاری سود و میزان به هنگام بودن آن بوسیله پژوهشگران برای محاسبه سطح کیفیت سود [۳۰، ۴۸، ۵۱] استفاده شده است. در اعلامیه مفهومی ادبیات نظری گزارشگری مالی نیز بر دو خصوصیت قابل اتکا بودن و مربوط بودن سود به عنوان شاخص کیفیت سود تاکید شده است تاکید دارد. هیلی و پالپو [۴۰] و شیر و وینسنت [۵۰] نیز کیفیت سود را در سه دیدگاه بررسی نموده اند. دیدگاه اول کیفیت سود را ابزار تخصیص مناسب منابع می داند که این مربوط به ارزش اسمی سرمایه گذاری می باشد. نگرش دوم، سود را منبع فراهم سازی اعتبار و دادن وام به شرکت می داند که مربوط به کاربران از اطلاعات مالی می باشد؛ و نگرش سوم نیز که بیانگر وضعیت بهبود کیفیت سود است، مربوط به گردآورندگان استانداردهای حسابداری می باشد. با عنایت به این امر که مهمترین شاخص اندازه گیری عملکرد شرکت ها سود و زیان آنهاست و در آشفته گی های مالی، مدیران تحت فشار قرار می گیرند و برای گرفتن تصمیم برای ممانعت از ورشکستگی با استفاده از اختیاراتی که در حیطه استفاده از استانداردهای حسابداری و استفاده از ارزیابی ها و پیش بینی ها دارند، اطلاعات مالی خود مانند سود را برای پنهان نمودن یا به عقب انداختن شرایط آشفته گی مالی، مدیریت می نمایند؛ پس می توان ادعا نمود که توانایی مدیریت بر سود شرکت به خصوص در دوران بحران های مالی تأثیر مستقیم دارد.

ارتباط بین استراتژی های تجاری و کیفیت سود و اثر تعدیلی بحران مالی

موضع کلی حرکت سازمان به سوی شرایط مناسب در سطح ذهنی و مفهومی، راهبرد نام داشته که طراحی آن به عنوان یکی از مسئولیت های بااهمیت مدیریتی است که اساس تصمیم گیری های ضروری مدیران برای حفظ حیات سازمان و تعالی آن محسوب می شود. یکی از راهبرد های بااهمیتی که بنگاه های اقتصادی برای رسیدن به مقاصد مشخص شده و استمرار فعالیت های اقتصادی، نیاز است انجام دهند، راهبرد تجاری است [۲۳]. به اقدامی منسجم در جستجوی برتری رقابتی، راهبرد تجاری گویند. در حقیقت، آنچه که به مشخص کردن واکنش شرکت ها به تحولات در صنعت، اقتصاد و صحنه سیاست، برای رسیدن به برتری رقابتی پایدار می پردازد، راهبرد تجاری یک شرکت است. هنگامی که در مراحل نخستین عمر یک شرکت راهبرد تجاری طراحی می گردد، این امر لازمه تعهدات طولانی مدت منابع بوده که خود موجب معلوم شدن مسیر شرکت در رسیدن، حفظ و بهبود عملکردشان خواهد بود [۲۹]. چندین دسته بندی برای راهبرد تجاری وجود دارد که بااهمیت ترین آنها عبارت اند از نوع شناسی مایلز و اسنو (۱۹۷۸)، مارچ (۱۹۹۱)، تریسی و ویرسما (۱۹۹۵) و پورتر (۱۹۹۶) [۱۴]. پورتر [۴۹] میان راهبردهایی که برتری رقابتی آنها بر اساس قیمت (رهبری قیمت) و کیفیت (گوناگونی کالاها) است تفاوت قائل می شوند. مارچ [۴۶] راهبرد های تجاری را به دو دسته استمارگر و اکتشافی و به روشی مشابه تریسی و ویرسما [۵۲] به سه طبقه تعالی عملیاتی، رهبری کالا و صمیمیت با مشتری طبقه بندی میکنند. با این وجود، نوع شناسی راهبردی عرضه شده بوسیله مایلز و اسنو [۴۷] در پژوهش های اخیر بیشتر

استفاده شده است [۴]. آنان با تحقیق در انواع گوناگون سازمان‌ها دریافتند که برای کم کردن تاثیرپذیری منفی از شرایط و زیاد شدن بهره‌وری از موقعیت‌ها، اغلب شرکت‌ها از یکی از چهار گونه راهبرد مقایسه‌ای مدافعان، مهاجمان یا پیشگامان یا آتیه‌نگرها، تحلیل‌گران و منفعلان یا تدافعی یا واکنش‌گران استفاده می‌کنند [۹]. در این بین نوعی راهبرد را می‌توان پیدا کرد که در برابر هم قرار می‌گیرند. راهبرد تهاجمی که به دنبال انعطاف و ریسک بالاتر است و راهبرد تدافعی که در پی کمتر کردن مخارج است. شرکت‌های دارای راهبرد تدافعی، توجه زیادی به طرح تحقیق و توسعه ندارند و در پی ارائه کالاهای با کیفیت و با صرفه هستند؛ در مقابل، شرکت‌های با راهبرد تهاجمی به شدت در پی موقعیت‌های نو بوده و تمایل بیشتری به خطر داشته و بیشتر بر روی پیشرفت و توسعه تمرکز دارند [۴۴].

بی‌شک، سوگیری و استراتژی‌های منتخب سازمانی توسط مدیران بر اطلاعات مالی تهیه شده شرکت‌ها تاثیرگذار است. استفاده کنندگان پیوسته برای تصمیم‌گیری و انجام بررسی‌های خود در مسائل اقتصادی، اطلاعات دقیق و قابل‌اتکایی احتیاج دارند و تبعاً نبود اینگونه اطلاعاتی، سبب ایجاد مشکل در تصمیم‌گیری آنان می‌شود. سود بااهمیت‌ترین منبع اطلاعاتی شرکت محسوب شده و تصمیم‌گیرندگان به سود بیشتر از هر شاخص دیگری تکیه می‌کنند. به همین جهت، علاوه بر کمیت سود، باید به کیفیت آن نیز توجه شود [۹]. در سال‌های اخیر، اقلام تعهدی حسابداری به عنوان یکی از بااهمیت‌ترین شاخص‌های کیفیت سود بیان شده است [۱۷، ۳۴]. بسیاری از شیوه‌های برآورد کیفیت سود بر این مسئله تمرکز دارند که سودی مناسب‌تر است که به پول نقد نزدیک‌تر باشد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). از سویی شواهد تجربی کثیری مدیریت سود را با استفاده از اقلام تعهدی تصدیق و تشریح می‌کند که مدیریت اقلام تعهدی سبب کم شدن کیفیت اقلام تعهدی می‌گردد. بنابراین هرچه کیفیت اقلام تعهدی بالاتر، کیفیت سود نیز بالاتر خواهد بود [۲، ۳۰]. اما بروز آشفتگی مالی منجر به کم شدن سود خیلی از شرکت‌ها شده و لذا مدیریت این شرکت‌ها برای حفظ قیمت سهام و غرامت خود از گرایش‌های هموارسازی و دستکاری سود بسیاری برخوردار می‌باشند، انجام چنین کارهایی سبب کم شدن کیفیت سود و کم شدن کیفیت اطلاعات مالی گزارش‌ها می‌شود. لذا در وضعیت آشفتگی مالی، اعتماد و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی کم شده و مشخص کردن کیفیت سود و گزارشگری مالی حائز اهمیت می‌باشد [۳۶].

پیشینه پژوهش و بسط فرضیه‌ها

با بررسی مطالعات انجام شده در حوزه مالی و حسابداری می‌توان پژوهش‌های متعددی را مشاهده نمود که به بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری (اعم از کیفیت سود، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت اقلام تعهدی و...) و استراتژی‌های تجاری پرداخته‌اند. به عنوان مثال، آگوستیا و همکاران (۲۰۲۰) مدیریت سود، استراتژی تجاری و ریسک ورشکستگی را میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که هیچ ارتباطی معناداری بین مدیریت سود و ریسک ورشکستگی وجود ندارد، در حالی که شرکت‌هایی که یکی از دو استراتژی تجاری عمومی رهبری هزینه یا تمایز را اجرا می‌کنند، خطر ورشکستگی را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهند. همچنین یافته‌ها

حاکمی از آن بود که تأثیر مدیریت سود در معرض خطر ورشکستگی برای ذینفعان خارجی مانند سرمایه گذاران و طلبکاران برای ارزیابی ریسک ورشکستگی، توانایی مالی و اعتبار یک شرکت ضروری است، در حالی که اثر استراتژی تجارت بر ریسک ورشکستگی از ذینفعان داخلی مانند مدیران سود می برد [۲۶]. یوتاو و یان (۲۰۱۷) تأثیرات دو عامل ساختاری سیاست رهبری هزینه و تدابیر تمایز را در ارزیابی ماهیت ساختاری رابطه میان راهبردهای تجاری و کیفیت ارقام تعهدی (معیار کیفیت سود) مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد بین ارقام تعهدی اختیاری و استراتژی تمایز رابطه منفی و بین ارقام تعهدی اختیاری و استراتژی رهبری هزینه رابطه ای مثبت برقرار است [۵۳]. همچنین، گارسیا سانچز و همکاران (۲۰۱۹) به ارزیابی و بررسی تاثیر راهبردهای تجاری شرکت بر عملکرد شرکت پرداختند. پژوهشگران با ارزیابی شرکت‌های امریکایی به این نتیجه رسیدند که یک رابطه قوی بین عملکرد شرکت و استراتژی‌های تجاری شرکت (رهبری هزینه و تمایز) وجود دارد. از طرفی باتوجه به تأثیرگذاری استراتژی‌های تجاری شرکت بر محیط رقابتی و محیط اطلاعاتی می‌توان کارایی تجاری شرکت که متضمن ایجاد سود است نیز به آن وابسته دانست [۳۷]. در همین راستا، گان (۲۰۱۸) با بررسی رابطه استراتژی‌های تجاری و اثربخشی سرمایه‌گذاری شرکت بیان کرد که راهبرد تمایز موجب تصمیمات سرمایه‌گذاری اثربخش تری می‌گردد. به طوری که راهبرد تمایز در مقایسه با تدبیر رهبری هزینه بر دو منبع ناکارا سرمایه‌گذاری یعنی سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد تأثیر بالاتری خواهد داشت [۳۵].

در پژوهش‌های انجام شده در ایران پژوهشگران و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر مدیریت سود و استراتژی بر ریسک ورشکستگی پرداختند. نتایج نشان داد که مدیریت سود تأثیر مثبت و مستقیمی بر ریسک ورشکستگی دارد. از طرفی محققین نشان دادند که استراتژی تمایز و رهبری هزینه بر ریسک ورشکستگی تأثیر منفی و معناداری دارد، بدین معنا که با افزایش استراتژی رهبری هزینه و استراتژی تمایز، ریسک ورشکستگی نیز کاهش می‌یابد [۸]. مشکی میاوقی و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی رابطه بین استراتژی راهبری هزینه، رقابت بازار و مدیریت سود‌های واقعی دریافتند که استراتژی هزینه رابطه مثبتی با مدیریت سود‌های واقعی دارد. درواقع شرکت‌هایی که از این استراتژی تبعیت می‌کنند، گرایش به اعمال سطح بالاتری از مدیریت سود‌های واقعی دارند. همچنین، با افزایش سطح رقابت، مدیریت سود واقعی ناشی از اجرای استراتژی راهبری هزینه تشدید می‌شود [۲۳]. رستمی (۱۳۹۷) تأثیر راهبری شرکتی و مدیریت سود بر ورشکستگی شرکت‌ها را مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان داد که مدیریت سود بر ممانعت از محدودیت مالی تأثیر معکوس معنی‌دار داشته و استقلال اعضای هیات مدیره و وجود سهامداران نهادی، با ممانعت از اتفاق افتادن ورشکستگی هرچند ارتباط معنادار ندارد اما بر ناتوانی مالی شرکت‌ها موثر است. وجود سهامداران نهادی تأثیر مستقیم و استقلال اعضای هیات مدیره تأثیر معکوس بر ورشکستگی دارند. همچنین زیاد شدن همزمان مدیریت سود و نسبت اعضای غیر اجرایی هیات مدیره ناتوانی مالی شرکت‌ها را زیاد می‌کند [۱۵]. کارشناسان و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر بحران مالی بر احتمال گزارشگری متقلبانانه و ارزش سهام را بررسی کردند نتایج بیان کرد که بحران مالی تأثیر معکوس و معناداری بر هر سه متغیر امکان تقلب، مدیریت سود و ارزش سهام دارد [۲۱].

پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد که نوع اهداف استراتژیکی که شرکت‌ها برای کسب سهم بازار خود اتخاذ می‌نمایند منجر به تبیین میزان درآمد آن‌ها و نحوه مدیریت در تولید و بهای تمام شده آن‌ها خواهد شد و در نتیجه بر سود و زیان حاصله برای شرکت تأثیر می‌گذارد. این امر به وضوح روشن است که روش‌های حسابداری به کار گرفته شده جهت محاسبه سود و انجام برآوردهای مربوط به اقلام تعهدی سود نیز وابسته به این استراتژی‌ها بوده و تابعی است از اهداف استراتژیکی که مدیران برای واحدهای اقتصادی تحت مدیریت خود اتخاذ می‌نمایند، لذا نوع استراتژی منتخب شرکت‌ها و مدیران می‌تواند بر کیفیت سود حسابداری آن‌ها نیز تأثیرگذار باشد. براین اساس، فرضیه‌های اول و دوم این پژوهش به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

۱. بحران مالی رابطه بین استراتژی تمایز و کیفیت سود را تعدیل می‌کند.

۲. بحران مالی رابطه بین استراتژی رهبری هزینه و کیفیت سود را تعدیل می‌کند.

بررسی مطالعات و ادبیات پژوهش‌های حسابداری این امر را هویدا می‌سازد که کیفیت سود و بهره‌گیری از سطوح برآوردی منطقی در محاسبه سود شرکت‌ها وابستگی بالایی به توانایی مدیران دارد. به عنوان مثال مینگ و همکاران (۲۰۲۰) در طی بحران مالی جهانی، رابطه توانایی مدیران و کیفیت سود را در شرکت‌های غیرمالی چین مورد مطالعه قرار دادند؛ یافته‌های آنان حاکی از یک ارتباط مستقیم و قوی میان توانایی مدیریت پیش از آغاز بحران و کیفیت سود و یک ارتباط معکوس میان توانایی مدیریت در حین بحران و کیفیت سود بود. در حقیقت مدیران از این اختیارات و انتخابهای حسابداری برای مخفی کردن یا مطلوب نشان دادن شرایط مالی شرکت استفاده می‌کنند که این امر احتمال دارد از سطح مربوط بودن اطلاعات حسابداری کم کند. لذا مطابق نتیجه پژوهش فوق انتظار می‌رود که بحران مالی اثر منفی و معناداری بر درجه ارتباط ارزشی و کیفیت سود داشته باشد [۴۷]. ماگراکیس و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود پرداختند. محققین با بررسی داده‌های صورت‌های مالی شرکت‌های غیرمالی فعال در ایالات متحده به این نتیجه رسیدند که مدیران با توانایی بالا نسبت به مدیرانی که از توانایی پایین تری برخوردار هستند پایداری سود بیشتری را افشا می‌نمایند [۵۱]. به طور مشابه با پژوهش‌های بیان شده در فوق، لی و همکاران (۲۰۱۸) نیز رابطه توانایی مدیریت و فرصت سرمایه‌گذاری شرکت را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین توانایی مدیران و فرصت‌های سرمایه‌گذاری وجود دارد. آنان بیان نمودند که شرکت‌هایی دارای مدیران با توانایی بالاتر، می‌توانند از طریق فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر، سود بیشتری را عاید شرکت نمایند [۴۳]. چانگ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط توانایی مدیران و محتوای اطلاعاتی سود پرداختند. پژوهشگران با ارزیابی شرکت‌های فعال در ژاپن به این نتیجه رسیدند که نوسان سود جاری با سودهای آتی و نوسانات آن ارتباط دارد و سطح توانایی مدیران تأثیر افزایشی بر رابطه میان تغییرات سود جاری و سود آتی دارد [۳۴]. گول و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر توانایی مدیران بر حق الزحمه حسابداری و همچنین تأثیر توانایی مدیران بر کیفیت اقلام تعهدی و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های بحران زده و غیر بحران زده را موردآزمون قرار دادند. نتایج نشان داد هرچه توانایی مدیران در شرکت‌های دارای بحران

مالی بالاتر باشد، دستمزد حسابرسی نیز زیاد خواهد شد و در شرکت های بدون بحران مالی، هر چه توانایی مدیران بیشتر شود، دستمزد حسابرسی نیز کم می شود. همچنین یافته‌ها نشان داد که در شرکت های با بحران مالی، توانایی بیشتر مدیران با کیفیت کم ارقام تعهدی و در نتیجه احتمال بالاتر تجدید ارائه صورت های مالی همراه خواهد شد [۳۹]. دمیرجان و همکاران (۲۰۱۷) ارتباط میان توانایی مدیریت و هموارسازی سود را ارزیابی کردند. از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان یکی از شاخص های هموارسازی سود استفاده شد. یافته ها نشان داد که مدیران توانا تر به صورت تاثیرگذارتری هموارسازی سود را انجام می دهند [۳۳]. در پژوهش های انجام شده در ایران، خواجهی و همکاران (۱۴۰۰) توانایی مدیران بر عواقب نبود شفافیت اطلاعات شرکت را آزمون کردند. نتایج نشان داد که ارتباط معکوس و معناداری میان توانایی مدیران با رتبه معیار نبود شفافیت اطلاعات شرکت، تفاوت بهای خرید و فروش سهام و خطای پیش بینی سود برقرار است؛ صورتی ارتباط معناداری میان توانایی مدیران با معاملات تجاری و ارقام تعهدی اختیاری دیده نشد [۱۳]. نکوئی زاده و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی تاثیر بحران اقتصادی بر رابطه میان قدرت مدیرعامل با ارزش و عملکرد مالی با تاکید بر نقش دویژگی های گزارشگری مالی شرکت به این نتیجه رسیدند که میزان کیفیت حسابرسی بیشتر همراه با کم شدن تاثیر منفی وضعیت بحرانی موجب تاثیر مستقیم قدرت و توانایی مدیریت بر ارزش و عملکرد مالی شرکت خواهد بود. سطح کیفیت گزارشگری مالی بیشتر نیز با کم شدن تاثیر معکوس وضعیت بحرانی تنها سبب تاثیر مستقیم قدرت و توانایی مدیریت بر ارزش شرکت شده اما اثر معناداری بر عملکرد مالی شرکت نخواهد داشت [۲۵]. پرندین و دارابی (۱۳۹۸) ارزش اطلاعاتی اجزای سود در دوران آشفتگی مالی را مورد بررسی قرار دادند. یافته ها حاکی از آن است که اعتبار اطلاعات مربوط به جزء اختیاری ارقام تعهدی و جریان وجوه نقد نتیجه عملیات در دوره آشفتگی مالی نسبت به دوره پیش از آن تفاوت و مقدار آن پایین تر بوده است. با این حال اختلاف معناداری بین ارزش اطلاعات جزء اختیاری ارقام تعهدی در دوره آشفتگی مالی و دوره پیش از آن دیده نشد [۷]. طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی توانایی، دانش مالی مدیرعامل و شفافیت گزارشگری مالی، را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که دانش مالی و توانایی مدیرعامل به صورت هم زمان اثر معنادار و مستقیمی بر شفافیت گزارشگری مالی خواهد داشت [۲۰]. آشتاب و همکاران (۱۳۹۷) با مقایسه ابزارهای مدیریت سود در شرکت های بحران زده و سالم بیان کردند که هر دو مجموعه از شرکت های مورد آزمون، از مدیریت سود استفاده می کنند. به صورتی که، استفاده از مدیریت سود در شرکت های بحران زده مالی بالاتر از شرکت های سالم است و شرکت های بحران زده گرایش دارند در سال های پیش از وقوع آشفتگی مالی به میزان بالاتری از ابزارهای مدیریت سود واقعی نسبت به ارقام تعهدی استفاده کنند. همچنین، با نزدیک شدن به وقوع آشفتگی مالی، سطح مدیریت سود در شرکت های بحران زده افزایش معناداری نخواهد داشت همچنین نتایج نشان داد که ابزارهای مدیریت سود به صورت دو سویه بر همدیگر تاثیر دارند [۳]. خواجهی و قدیریان آرانی (۱۳۹۶) نقش توانایی مدیریت در پیش بینی بحران مالی را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته ها حاکی از آن است که عملکرد الگوهای پیش بینی آشفتگی مالی با وجود توانایی مدیریت به طور معناداری بالاتر از الگوهای مبتنی بر نسبت های مالی در شیوه های طبقه بندی

کننده تجمیعی بوستینگ، بگینگ و جنگل‌های چرخشی است. به عبارت دیگر، با افزودن توانایی مدیریت به مدل‌های پیش‌بینی آشفستگی مالی، دقت آنها بیشتر خواهند شد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که هرچه فاصله دوره زمانی پیش‌بینی با وقوع آشفستگی مالی زیادتر شود، لحاظ کردن توانایی مدیریت در الگوهای پیش‌بینی بحران مالی عملکرد آنها را به مقدار بالاتری بهبود خواهد داد. لذا می‌توان نتیجه گرفت، توانایی مدیریت، متغیری دارای اعتبار در پیش‌بینی آشفستگی مالی می‌باشد [۱۲]. صفرزاده و واحدیان (۱۳۹۶) به ارزیابی تاثیر بحران مالی جهانی بر کیفیت سود پرداختند. یافته‌ها نشان داد که آشفستگی مالی جهانی از طریق تأثیر مستقیمی که بر بعضی از شاخص‌های بررسی کیفیت سود مانند پایداری و هموارسازی سود دارد، سبب بهبود کیفیت سود و از طریق تأثیر غیرمستقیم که بر بعضی دیگر از شاخص‌های ارزیابی کیفیت سود مانند محافظه‌کاری حسابداری، ارتباط ارزشی سود، کیفیت اقلام تعهدی و پیش‌بینی سود دارد، سبب کم شدن کیفیت سود می‌شود. همچنین پژوهشگران دریافته‌اند که کیفیت سود در دوره پیش از آشفستگی مالی جهانی، بالاتر از کیفیت سود در دوره آشفستگی مالی جهانی است [۱۸]. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) دریافته‌اند که آشفستگی مالی تأثیر معکوس و معناداری بر هموارسازی سود، ارتباط ارزشی سود و محافظه‌کاری شرطی دارد، اما رابطه معنا داری میان بحران مالی و محافظه‌کاری غیرشرطی دیده نشد [۱].

باتوجه به پژوهش‌های مطرحه در فوق و همچنین ادبیات ارائه شده درخصوص ارتباط بین توانایی مدیریت، کیفیت سود و بحران مالی، فرضیه سوم این پژوهش به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

۳. بحران مالی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود را تعدیل می‌کند.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، ۱۲۱ شرکت بر اساس محدودیت‌های زیر از بین کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده‌اند. همچنین، اطلاعات و داده‌های آماری در فاصله زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۹ (دوره شش ساله) در نظر گرفته شده است:

۱. به‌منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

۲. پایان سال مالی شرکت‌های مورد بررسی به منظور قابلیت مقایسه بهتر، به ۲۹ اسفند ختم شود.

۳. در طول دوره مورد بررسی دوره مالی خود را تغییر نداده باشند

۴. در طول دوره بررسی توقف معاملاتی بیشتر از ۶ ماه نداشته باشند.

۵. جزو بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) که دارای ساختار مالی و اصول راهبری متفاوتی از سایر شرکت‌ها هستند، نباشند. برای گردآوری مبنای نظری از شیوه کتابخانه‌ای استفاده گردید و برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها و یادداشتهای پیوست، از سایت سازمان بورس و نرم افزار ره‌آورد نوین استفاده شد. برای تحلیل و بررسی داده‌ها از برنامه‌های اکسل و ایویوز ۹ استفاده شد.

شیوه مطالعه حاضر از نظر ماهیت و هدف از نوع مطالعات کاربردی و از نوع همبستگی و توصیفی می‌باشد و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره، ضریب تعیین، استفاده شد. فرضیه‌های تحقیق به پیروی از با استفاده از مدل‌های رگرسیونی زیر مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

مدل آزمون فرضیه اول پژوهش

مدل (۱):

$$ABDAC_{t,i} = a_0 + a_1 DIFF_{t,i} + a_2 FC_{t,i} + a_3 FC_{t,i} \times DIFF_{t,i} + a_4 Firm\ Size_{t,i} + a_5 Sales\ Volatility_{t,i} + a_6 Cash\ Flow\ Volatility_{t,i} + a_8 Sales\ Growth_{t,i} + a_6 Loss_{t,i} + a_9 National\ Auditor_{t,i} + a_{10} Abnormal\ Return_{t,i} + \epsilon_{t,i}$$

مدل آزمون فرضیه دوم پژوهش

مدل (۲)

$$ABDAC_{t,i} = a_0 + a_1 CL_{t,i} + a_2 FC_{t,i} + a_3 FC_{t,i} \times CL_{t,i} + a_4 Firm\ Size_{t,i} + a_5 Sales\ Volatility_{t,i} + a_6 Cash\ Flow\ Volatility_{t,i} + a_8 Sales\ Growth_{t,i} + a_6 Loss_{t,i} + a_9 National\ Auditor_{t,i} + a_{10} Abnormal\ Return_{t,i} + \epsilon_{t,i}$$

مدل آزمون فرضیه سوم پژوهش

مدل (۳)

$$ABDAC_{t,i} = a_0 + a_1 MgrlAbility_{t,i} + a_2 FC_{t,i} + a_3 FC_{t,i} \times MgrlAbility_{t,i} + a_4 Firm\ Size_{t,i} + a_5 Sales\ Volatility_{t,i} + a_6 Cash\ Flow\ Volatility_{t,i} + a_8 Sales\ Growth_{t,i} + a_6 Loss_{t,i} + a_9 National\ Auditor_{t,i} + a_{10} Abnormal\ Return_{t,i} + \epsilon_{t,i}$$

که در مدل‌های فوق داریم:

متغیر وابسته

ABDAC: کیفیت سود (اقدام تعهدی غیرعادی): در این پژوهش جهت اندازه‌گیری کیفیت سود از مدل تعدیل شده جونز [۴۲] به شرح زیر استفاده می‌شود:

مدل (۴)

$$TA/Assets_{t-1} = \alpha + \beta_1 I/Assets_{t-1} + \beta_2 (\Delta Sales_t - \Delta REC_t) / Assets_{t-1} + \beta_3 PPE/Assets_{t-1} + \beta_4 ROA_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق داریم:

TA: مجموع اقدام تعهدی بوده و از تفاضل سود خالص و جریان نقد عملیاتی محاسبه می‌گردد؛ ASSETS: مجموع دارایی‌های شرکت در ابتدای دوره؛ $\Delta SALES$: تغییرات فروش شرکت؛ ΔREC : تغییرات حساب‌های دریافتی شرکت؛ PPE: مجموع دارایی‌های مشهود شرکت؛ ROA: بازده دارایی‌های شرکت؛ ϵ : باقیمانده مدل، که نشان‌دهنده اقدام تعهدی اختیاری (کیفیت سود) است.

متغیرهای مستقل

توانایی‌های مدیریت (MgrlAbility): سنجش این متغیر از طریق مدل دمرجیان و همکاران [۳۲] می‌باشد. در این مدل، پس از محاسبه کارایی شرکت و وارد کردن آن در رگرسیون چندگانه در جایگاه

متغیر وابسته، توانایی مدیریت اندازه گیری می‌شود. کارایی شرکت نیز با بهره گیری از تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه می‌شود. این مدل به شرح ذیل است:

مدل (۵)

$$\max \theta = \frac{\text{sales}}{v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{R\&D} + v_5 \text{Goodwill} + v_6 \text{Intan}}$$

در این مدل فوق داریم:

SG&A: هزینه‌های عمومی، اداری؛ CoGS: بهای تمام شده کالای فروش رفته؛ R&D: هزینه تحقیق و توسعه؛ NetPPE: مانده خالص دارایی ثابت؛ Goodwill: سرقلی؛ Intan: مانده دارایی نامشهود می‌باشد.

در الگوی بالا برای هر کدام از متغیرهای ورودی ضریب v منظر شده است؛ چون تاثیر کلیه متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست. میزان برآورد شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا یک واقع می‌شود. سپس، کارایی شرکت به دو قسمت جدا از هم یعنی کارایی بر مبنای خصوصیات ذاتی شرکت و کارایی بر مبنای توان مدیریت، طبقه بندی می‌گردد. این کار با استفاده از کنترل ۴ خصوصیت ذاتی شرکت مانند اندازه شرکت، سهم بازار، جریان نقدی عملیاتی و عمر پذیرش در بورس با استفاده از مدل ذیل صورت می‌پذیرد:

مدل (۶)

$$\text{Firm_Efficiency}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{it} + \alpha_2 \text{Market_Share}_{it} + \alpha_3 \text{D_CFO}_{it} + \alpha_4 \text{Ln}(\text{Age})_{it} + \epsilon_{it}$$

که در مدل فوق داریم:

Size: اندازه شرکت و برابر لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت؛ Market_Share: نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت؛ D_CFO: متغیری مجازی بوده و در صورت مثبت بودن جریان نقد عملیاتی برابر ۱ و در غیر اینصورت صفر است؛ Age: عمر پذیرش شرکت در بورس؛ ϵ : باقیمانده مدل فوق، نشان دهنده میزان توانایی مدیریت خواهد بود.

استراتژی‌های تجاری شرکت: راهبرد تجاری در مطالعه حاضر شامل دو تدبیر رهبری هزینه (CL) و استراتژی تمایز (DIFF) می‌شود. که از سیستم امتیاز دهی ترکیبی ایتنر و لارکر [۴۱] جهت اندازه گیری آن استفاده شده است. بدین منظور از ۶ نسبت مالی شامل نسبت هزینه های عمومی اداری به فروش، نرخ رشد فروش، بهای تمام شده به کل فروش، ارزش بازار به ارزش دفتری، نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها و نسبت مخارج سرمایه ای به فروش استفاده شده است که ۳ نسبت اول برای رتبه شرکت در راهبرد رهبری هزینه و ۳ نسبت دیگر برای رتبه شرکت در راهبرد تمایز بوده است. در این شیوه امتیازدهی نخست مشاهدات را بر مبنای هر یک از نسبت ها از حداقل به حداکثر سطح مرتب می‌شود و سپس امتیاز چهارکی هر مشاهده را برای آن نسبت مشخص می‌نماییم. پس از آن مجموع

امتیاز چهارکی مشاهده برای دو گروه ۳ تایی از نسبت ها برآورد می شود. براین مبنا، هر مشاهده (سال-شرکت) دارای یک امتیاز برای راهبرد تمایز و یک امتیاز برای راهبرد رهبری هزینه خواهد شد که عددی بین ۳ تا ۱۲ می تواند باشد که برای هم مقیاس نمودن اطلاعات این رتبه بر عدد ۱۲ تقسیم شده است. مشاهده ای که امتیاز بیشتری را دریافت نموده در آن راهبرد قوی تر خواهد بود.

متغیر تعدیلگر

بحران مالی (FC): در این مطالعه برای مشخص کردن بحران مالی از مدل آلتمن [۲۷] و بر اساس مدل تعدیل شده آن در ایران توسط رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۸) به شرح رابطه زیر استفاده می شود [۱۶]:

مدل (۷)

$$Z = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \beta_1 X_2 + \beta_1 X_3 + \beta_1 X_4 + \beta_1 X_5 + \varepsilon_i$$

که در مدل فوق داریم:

X_1 : نسبت سرمایه در گردش تقسیم بر کل دارایی ها؛ X_2 : نسبت سود انباشته تقسیم بر مجموع دارایی ها؛ X_3 : نسبت درآمد قبل از بهره و مالیات تقسیم بر مجموع دارایی ها؛ X_4 : ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری مجموع بدهی ها؛ X_5 : کل فروش تقسیم بر مجموع دارایی ها است. ضمناً، مقدار Z برای برازش اولیه الگو و مشخص نمودن پارامترهای آن، برابر یک خواهد شد اگر شرکت مشمول مفاد ماده ۱۴۱ قانونی تجارت (زیان انباشته شرکت از ۵۰ درصد سرمایه ثبتي شرکت تجاوز نماید) باشد و در غیر این صورت برابر صفر خواهد شد. پس برازش الگو و بر مبنای ضرایب جدید اقدام به محاسبه مقادیر Z برای هر سال شرکت شده و شرکت های دارای آشفتگی مالی به عنوان شرکت های دارای محدودیت مالی محسوب خواهند شد. اگر مقدار Z بین ۱/۸ تا ۲/۹۹ باشد امکان درماندگی وجود دارد و شرکت دارای محدودیت تأمین مالی خواهد شد؛ بنابراین مقدار یک را داشته و در غیر این صورت این مقدار صفر خواهد شد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Firm Size): برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت در پایان سال جاری. نوسان های فروش (Sales Volatility): برابر است با انحراف معیار فروش تقسیم بر مجموع دارایی ها طی سه سال گذشته.

نوسان های جریان های نقد (Cash Flow Volatility): انحراف استاندارد جریان های نقدی حاصل از فعالیت های عملیاتی تقسیم بر میانگین مجموع دارایی ها طی سه سال قبل.

متغیر زیان (Loss): اگر شرکت زیان ده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر به خود خواهد گرفت. نوع حسابرس (National Auditor): در صورتی که حسابرس شرکت متعلق به سازمان حسابرسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر خواهد شد.

رشد فروش (Sales Growth): برابر است با تفاوت فروش سال جاری و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.

نرخ بازده غیرعادی (Abnormal Return): برابر است با تفاضل بازده سالانه سهام شرکت و بازده سالانه سهام بازار (شاخص کل). بازده سهام شرکت‌ها با در نظر گرفتن تغییرات قیمت سهام، حق تقدم، سود نقدی و ... محاسبه خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی

نخست برای بررسی اطلاعات آماره‌های توصیفی داده‌های تحت مشاهده برآورد می‌گردد. جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای مطالعه که گویای مقدار پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت جداگانه و جدول (۲) نیز آمار توصیفی متغیرهای مجازی (صفر و یک) را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
اقدام تعهدی غیرعادی	-۰/۳۷۶	-۰/۳۹۹	۰/۴۹۵	-۳/۹۵۸	۱/۵۳۲
توانایی مدیریت	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۲۸۱	-۰/۵۳۹	۱
استراتژی تمایز	۰/۶۲۶	۰/۶۶۷	۰/۱۶۱	۰/۲۵۰	۱
استراتژی رهبری هزینه	۰/۶۲۶	۰/۶۶۷	۰/۱۷۰	۰/۲۵۰	۱
رشد فروش	۰/۲۲۱	۰/۱۴۸	۰/۴۱۲	-۰/۸۲۵	۲/۸۹۳
اندازه شرکت	۱۴/۴۸۳	۱۴/۲۱۹	۱/۵۶۴	۱۰/۵۳۲	۱۹/۷۷۳
نوسان فروش	۰/۱۳۰	۰/۱۰۷	۰/۱۰۸	۰/۰۰۲	۰/۶۹۹
نوسان جریان نقد	۰/۱۴۱	۰/۱۲۰	۰/۰۹۸	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰
بازده غیر عادی - درصد	-۰/۶۶۴	۲/۲۳۸	۲۳/۱۶۷	-۱۶۰/۲۰۰	۱۴۵/۱۴۰

همانگونه که در جدول (۱) دیده می‌شود، متوسط متغیر اقدام تعهدی اختیاری غیر عادی برابر ۰/۳۷۶- می‌باشد که بیانگر آن است که بالغ بر ۳۷ درصد از جمع دارایی‌های شرکت‌های نمونه را اقدام تعهدی تشکیل می‌دهد. همچنین، متویط متغیر توانایی مدیریت ۰/۰۰۰۱ بوده و نزدیک به صفر است که علت آن از این امر نشأت می‌گیرد که این متغیر باقی مانده یک مدل رگرسیونی می‌باشد. از سویی، میانگین متغیر استراتژی تجاری برای هر دو حالت رهبری هزینه و تمایز برابر عدد ۰/۶۲۶ است که این نشان می‌دهد برای هر دو شاخص از رتبه‌های چارکی برای سه شاخص تعریف شده استفاده گردیده است.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی متغیرهای مجازی (صفر و یک) پژوهش

نام متغیر	درصد فراوانی	فراوانی
متغیر زبان	۱۰/۱	۷۳
نوع حسابرس	۴۴/۱	۳۲۰
بحران مالی	۳۰/۹	۲۲۴

نتایج جدول (۲) نیز نشان می دهد میانگین متغیر بحران مالی دارای مقدار $0/309$ است، که این یعنی براساس مدل درماندگی مالی آلمن، حدود ۴۰ درصد از سال-شرکت های نمونه را مشاهدات دارای بحران مالی تشکیل داده است. همچنین با توجه به نتایج می توان بیان کرد که به طور متوسط ۴۴ درصد شرکت ها از حسابرسان متعلق به سازمان حسابرسی استفاده کرده اند و حدود ۱۰ درصد از شرکت ها نیز در دوره مورد بررسی زیان ده بوده اند.

نتایج آزمون فرضیه ها

برای بررسی فرضیه ها نخست باید الگو های رگرسیون مورد آزمون قرار گیرند. در اینجا برای تعیین مدل مطلوب (تلفیقی یا تابلویی با اثرات ثابت یا تصادفی) از آماره های چاو و هاسمن استفاده می شود.

جدول (۳). نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون چاو		آزمون هاسمن	
آماره F	سطح معناداری	آماره-Chi Sq	نتیجه
۳/۲۴۹	۰/۰۰۰	۳۳/۰۷۱	داده های پانل
۲/۳۶۵	۰/۰۰۰	۶۱/۹۷۹	داده های پانل
۳/۳۳۷	۰/۰۰۰	۱۵/۶۸۴	داده های پانل

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۳)، مقدار احتمال F لیمر برای تمامی مدل ها $0/000$ میباشد که این میزان نشان دهنده رد فرضیه صفر (کارایی شیوه تلفیقی) بوده و نشان می دهد که برای ارزیابی مدل باید از شیوه داده های پانل استفاده شود. با توجه به پانلی بودن الگو ها، باید برای مشخص کردن نوع داده های پانلی (شیوه اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آماره هاسمن استفاده شود. نتایج در جدول (۳) نشان می دهد که مقدار معناداری آزمون هاسمن برای مدل های (۱) و (۲) از سطح خطای $0/05$ کوچک تر است، در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر تخمین معادله به روش اثرات تصادفی رد شده و مدل های فوق باید با استفاده از اثرات ثابت تخمین زده شود. در مقابل، سطح معناداری آزمون هاسمن برای مدل (۳) از سطح خطای $0/05$ بزرگتر است و فرضیه صفر مبتنی بر تخمین معادله به روش اثرات تصادفی رد نشده و مدل فوق باید با استفاده از اثرات تصادفی تخمین زده شود.

همچنین در مطالعه حاضر، فرض ناهمسانی واریانس خطاها توسط آزمون بروش-پاگان انجام شد.

جدول ۴. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل پژوهش	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه تخمین مدل
مدل ۱	۱۰۸/۶۱۰	۰/۰۰۰	روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)

مدل پژوهش	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه تخمین مدل
مدل ۲	۳۲/۱۶۹	۰/۰۰۰	روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)
مدل ۳	۱۲۴/۴۹۳	۰/۰۰۰	روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)

نتایج بدست آمده در جدول (۴) نشان می‌دهد که سطح معناداری برای تمامی مدل‌های پژوهش کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین ناهمسانی واریانس در مدل‌های پژوهش وجود دارد. با این حال، می‌توان گفت واریانس مقادیر اخلاص در مدل‌ها ناهمسان است و نمی‌توان از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده کرد و لذا برای آزمون فرضیه‌های پژوهش باید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شود.

یکی دیگر از پیش فرض‌های رگرسیون، عدم وجود هم خطی در بین متغیرهای توضیحی می‌باشد. بدین منظور نتایج آزمون VIF در جدول (۵) ارائه گردیده است.

جدول ۵. نتایج آزمون تشخیص هم خطی بین متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تولرانس (Tol)	عامل تورم واریانس (VIF)
توانایی مدیریت	۰/۰۰۳	۱/۰۲۵
استراتژی تمایز	۰/۰۰۹	۱/۰۷۸
استراتژی رهبری هزینه	۰/۰۱۰	۱/۲۸۶
بحران مالی	۰/۰۰۱	۱/۰۷۱
اندازه شرکت	۰/۰۰۰۱	۱/۰۸۱
نوسان فروش	۰/۰۲۵	۱/۲۳۷
نوسان جریان نقد	۰/۰۲۶	۱/۰۸۵
متغیر زیان	۰/۰۰۲	۱/۱۳۵
نوع حسابرِس	۰/۰۰۰۹	۱/۰۱۹
نام متغیر	تولرانس (Tol)	عامل تورم واریانس (VIF)
رشد فروش	۰/۰۰۲	۱/۵۵۱
بازده غیر عادی-درصد	۰/۰۰۰۴	۱/۱۱۳

همانطور که در جدول (۵) ملاحظه می‌شود، مقدار این آماره برای کلیه متغیرهای توضیحی کمتر از ۵ می‌باشد که این موضوع حکایت از عدم وجود هم خطی شدید بین متغیرهای توضیحی دارد.

همان‌طور که در جداول نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش در زیر مشاهده می‌شود؛ مقدار سطح معناداری آماره F در هر سه مدل برابر با ۰/۰۰۰۰ است؛ و با توجه به اینکه مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، بدین معنی که مدل‌های معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارتی مدل‌های مورد بررسی دارای اعتبار هستند. ضریب تعیین تعدیل شده نیز برای مدل‌های اول، دوم و سوم پژوهش به ترتیب ۰/۳۳۲ و ۰/۷۲۹ و ۰/۳۲۷ می‌باشد. این ضرایب بیان‌گر آن است که

متغیرهای مستقل و کنترلی، توانایی توجیه حداقل ۰/۳۳، ۰/۷۳ و ۰/۳۲ از تغییرات سطوح متغیر وابسته را مدل های پژوهش دارا می باشند. همچنین، برای بررسی خودهمبستگی، از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. که نتایج مربوط به آن نشان می دهد که سطح معناداری آماره آزمون برای مدل اول ۱/۹۵۵، مدل دوم ۲/۰۳۴ و برای مدل سوم ۱/۷۶۱ می باشد؛ که با توجه به قرار گرفتن آن ها بین بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نشان از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل پژوهش می باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
عرض از مبدا	C	-۰/۵۱۴	۰/۱۱۰	-۴/۶۷۸
استراتژی تمایز	DIFF	۰/۲۲۴	۰/۰۷۵	۲/۹۵۳
بحران مالی	FC	-۰/۱۸۸	۰/۰۸۷	-۲/۱۴۹
اثر تعاملی بحران و استراتژی تمایز	FC*DIFF	۰/۳۳۹	۰/۱۳۸	۲/۴۴۶
اندازه شرکت	Firm Size	۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	۱/۵۷۸
نوسان فروش	SalesVolatility	-۰/۱۹۳	۰/۱۱۷	-۱/۶۵۴
نوسان جریان نقد	Cash FlowVolatility	۰/۳۰۳	۰/۱۱۴	۲/۶۴۹
متغیر زیان	Loss	-۰/۱۵۹	۰/۰۴۵	-۳/۵۳۱
نوع حسابرسی	NationalAuditor	-۰/۰۹۱	۰/۰۱۹	-۴/۷۴۲
رشد فروش	SalesGrowth	-۰/۵۰۷	۰/۰۳۱	-۱۶/۳۳۵
بازده غیر عادی- درصد	AbnormalReturn	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۹۷
آماره های آزمون مدل				
آماره F	۳۷/۰۲۹	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۳۲	
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	آماره دوربین واتسون	۱/۹۵۵	

جهت آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول (۶)، با توجه به ضریب رگرسیون و سطح معناداری متغیر اثر تعاملی بحران مالی و استراتژی تمایز در مدل که به ترتیب برابر ۰/۳۳۹ و ۰/۰۱۴ می باشد (هم علامت با ضریب متغیر استراتژی تمایز)، می توان ادعا نمود که بحران مالی رابطه بین استراتژی تمایز و کیفیت سود را تعدیل می کند؛ در نتیجه می توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه اول پژوهش قابل تایید می باشد.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
عرض از مبدا	۰/۷۸۲	۰/۲۱۱	۳/۶۹۱	۰/۰۰۰
استراتژی رهبری هزینه	-۰/۳۴۰	۰/۰۶۶	-۵/۰۹۸	۰/۰۰۰
بحران مالی	-۰/۱۹۳	۰/۰۶۵	-۲/۹۴۳	۰/۰۰۳
اثر تعاملی بحران و استراتژی رهبری هزینه	۰/۱۹۹	۰/۰۸۹	۲/۲۲۷	۰/۰۲۶
اندازه شرکت	-۰/۰۵۳	۰/۰۱۱	-۴/۸۲۴	۰/۰۰۰
نوسان فروش	-۰/۲۴۱	۰/۱۱۹	-۲/۰۲۶	۰/۰۴۳
نوسان جریان نقد	-۰/۰۱۲	۰/۰۷۰	-۰/۱۷۴	۰/۸۶۱
متغیر زیان	-۰/۰۵۸	۰/۰۲۹	-۱/۹۹۷	۰/۰۴۶
نوع حسابرس	-۰/۰۴۸	۰/۰۰۸	-۵/۵۶۸	۰/۰۰۰
رشد فروش	-۰/۴۲۱	۰/۰۲۴	-۱۷/۵۵۴	۰/۰۰۰
بازده غیر عادی- درصد	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	۲/۱۳۰	۰/۰۳۳
آماره های آزمون مدل				
آماره F	۱۶/۷۸۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۳۹	
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	آماره دوربین واتسون	۲/۰۳۴	

با توجه به ضریب رگرسیون و سطح معناداری متغیر اثر تعاملی بحران مالی و استراتژی رهبری هزینه در جدول (۷) که به ترتیب برابر ۰/۱۹۹ و ۰/۰۲۶ می‌باشد (مختلف علامت با ضریب متغیر استراتژی رهبری هزینه)، می‌توان ادعا نمود که بحران مالی رابطه بین استراتژی رهبری هزینه و کیفیت سود را تعدیل می‌کند، در نتیجه فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ قابل پذیرش است.

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
عرض از مبدا	-۰/۳۲۳	۰/۰۹۰	-۳/۵۷۸	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت	-۰/۱۶۳	۰/۰۴۱	-۳/۹۳۴	۰/۰۰۰

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	متغیر
بحران مالی	FC	۰/۰۱۸	۰/۰۲۰	۰/۸۸۴	۰/۳۷۶
اثر تعاملی بحران و توانایی مدیریت	FC*MgrlAbility	۰/۱۱۵	۰/۰۷۵	۱/۵۱۹	۰/۱۲۹
اندازه شرکت	Firm Size	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۱/۰۲۵	۰/۳۰۵
نوسان فروش	SalesVolatility	-۰/۱۷۹	۰/۱۱۸	-۱/۵۲۰	۰/۱۲۸
نوسان جریان نقد	Cash FlowVolatility	۰/۲۹۵	۰/۱۱۶	۲/۵۴۵	۰/۰۱۱
متغیر زیان	Loss	-۰/۱۰۳	۰/۰۴۳	-۲/۳۸۴	۰/۰۱۷
نوع حسابرسی	NationalAuditor	-۰/۰۸۷	۰/۰۱۹	-۴/۵۲۴	۰/۰۰۰
رشد فروش	SalesGrowth	-۰/۵۰۲	۰/۰۳۱	-۱۶/۱۱۲	۰/۰۰۰
بازده غیر عادی- درصد	AbnormalReturn	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۰/۳۹۷	۰/۶۹۱
آماره های آزمون مدل					
آماره F	۳۶/۲۹۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۲۷		
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	آماره دوربین واتسون	۱/۷۶۱		

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش در جدول (۸) نشان می دهد که ضریب رگرسیون و احتمال متغیر به ترتیب ۰/۱۱۵ و ۰/۱۲۹ بوده که حاکی از بی تاثیر بودن متغیر بحران مالی بر رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود است. لذا فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ قابل تایید نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از تأیید آن بوده، لذا بحران مالی بر رابطه بین استراتژی تمایز و کیفیت سود تأثیر دارد. نتایج این فرضیه به طور مشابه در پژوهش های مینگ و همکاران [۴۷]، لی و همکاران [۴۳] و یوتاو و یان [۵۳] نیز بیان گردیده است. در توجیه این امر می توان بیان نمود که هرچه محصول شرکت خاص تر باشد که ناشی از استراتژی تمایز است، کمتر تحت تأثیر بحران مالی بوده و لذا رابطه کیفیت سود و این استراتژی در دوران بحران مالی تشدید خواهد شد. با توجه به تأیید فرضیه اول این پژوهش و تأثیرپذیری بیشتر کیفیت سود از استراتژی تمایز در دوره های بحران، به مدیران شرکت ها توصیه می شود تا در تولید محصولات خود به سمت ایجاد نوآوری و استفاده از فن آوری های برتر بروند تا محصولی متمایز در اختیار مشتریان قرار دهند و بتوانند در دوره هایی که با بحران مالی مواجه می شوند حاشیه سود مطلوب خود را حفظ و انعطاف پذیری بالاتری داشته باشند.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از تأیید آن بوده، لذا بحران مالی بر رابطه بین استراتژی رهبری هزینه و کیفیت سود تأثیر دارد. نتایج این فرضیه به طور مشابه در پژوهش های ماگراکیس و

همکاران [۵۱] و گان [۳۵] نیز بیان گردیده است. در توجیه این نتیجه، می‌توان بیان نمود که در استراتژی رهبری هزینه شرکت‌ها صرفاً به تولید انبوه جهت کاهش هزینه‌ها و تصمیمات مشابه آن تمرکز دارند، این امر در دوران بحران مالی قابل انجام نبوده چرا که منابع و نقدینگی کافی برای اجرای آن وجود ندارد لذا رابطه کیفیت سود و این استراتژی در دوران بحران مالی کاهش می‌یابد. با توجه به تأیید فرضیه دوم و تأثیر کم استراتژی رهبری هزینه بر کیفیت سود در دوره‌های بحران مالی، به حساب‌رسان شرکت‌ها توصیه می‌شود هم در مرحله شناخت و هم در مرحله انجام رسیدگی‌ها نسبت به بررسی بحران مالی شرکت تأکید نموده و در صورت پی بردن به وجود بحران مالی در شرکت‌هایی که از استراتژی رهبری هزینه استفاده می‌نمایند، حجم رسیدگی‌ها و دقت آن را در سطحی تعیین نمایند که اطمینان معقول از عدم وجود مدیریت سود در شرکت کسب نمایند؛ چرا که احتمال انجام مدیریت سود و هموارسازی در این دوره افزایش می‌یابد.

نتایج آزمون فرضیه فرضیه سوم پژوهش حاکی از رد آن بوده، لذا بحران مالی تأثیری بر رابطه بین توانایی مدیران و کیفیت سود تأثیر ندارد. نتایج این فرضیه در تضاد با پژوهش‌های گارسیا سانچز و همکاران [۳۷] و چانگ و همکاران [۳۴] می‌باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش به مدیران شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کمک می‌نماید تا در شرایطی که با بحران مالی روبرو هستند با توجه به میزان توانایی‌های مدیران‌شان، تصمیم مناسبی در راستای استراتژی‌های تجاری خود اتخاذ نمایند تا بر اساس آن بتوانند نسبت به خروج و یا گذار از بحران مالی خود اقدام نمایند. لذا، آشکار شدن الگوی انتخاب استراتژی‌های شرکت‌ها در شرایط بحران مالی می‌تواند پیرامون افزایش درک مدیریت از اهمیت رفتارهای نمایندگی در انتخاب استراتژی‌های رقابتی و ارزیابی پیامدهای مورد انتظار چنین اقداماتی کمک کننده باشد. همچنین به حساب‌رسان پیشنهاد می‌گردد که با توجه به نتایج حاصل، در انجام فرآیند حسابرسی، جهت افزایش شناخت نسبت به فعالیت‌ها و تصمیمات مدیران در خصوص تغییرات سود، اعمال مدیریت سود و در راستای کشف هرگونه سوء استفاده احتمالی، از استراتژی تجاری مورد عمل شرکت‌شناخت کافی کسب کنند.

در پژوهش حاضر، محدودیت‌هایی از جمله روش اندازه‌گیری توانایی مدیران وجود دارد. با توجه به اینکه تصمیم‌گیری و رفتار مدیران جزء خصوصیت‌های شخصیتی و درونی مدیران بوده و به صورت مستقیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست، بنابراین لازم است در تعمیم نتایج دقت شود.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی و ممشلی، رضا. (۱۳۹۶). "تأثیر بحران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی". **مجله دانش حسابداری**، دوره هشتم، شماره ۳، ۱۴۱-۱۶۵.
۲. ایمنی، محسن، رهنمای رودپشتی، فریدون و بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۸). "رابطه دستکاری فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی با استفاده از رویکرد سیستم معادلات بازگشتی". **مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، دوره ۸، شماره ۲۹، ۱-۱۴.

۳. آشتاب، علی، حقیقت، حمید و کردستانی، غلامرضا. (۱۳۹۷). "مقایسه ابزارهای مدیریت سود در شرکت های بحران زده و شرکت های سالم". **مجله پژوهش های تجربی حسابداری**، سال هشتم، شماره ۳۰، ۲۴۵-۲۶۲.
۴. برزیده، فرخ، جوانی قلندری، موسی و عظیمی، عابد. (۱۳۹۷). "تاثیر استراتژی های تجاری بر کارایی سرمایه گذاری". **مجله دانش حسابداری**، دوره نهم، شماره ۴، ۱۵۳-۱۸۴.
۵. بزرگ اصل، موسی و صالح زاده، بیستون. (۱۳۹۳). "توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی". **مجله دانش حسابداری**، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۱۹-۱۳۹.
۶. بزرگ اصل، موسی؛ صالح زاده، بیستون و محمدی، مهسا. (۱۳۹۷). "توانایی مدیریت و ناکارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال ۱۴، شماره ۵۷، ۷۳-۹۴.
۷. پرنذین، کاوه و دارابی، رویا. (۱۳۹۸). "مطالعه ارزش اطلاعاتی مولفه های سود در دوران بحران مالی". **مجله مطالعات حسابداری و حسابرسی**، دوره هشتم، شماره ۳۲، ۷۵-۸۸.
۸. پژوهان، علی؛ رشید، مرجان و محمدی، محبوبه. (۱۳۹۹). "بررسی تأثیر مدیریت سود و استراتژی تجاری بر ریسک ورشکستگی (مطالعه موردی: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)". **مجله مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری**، سال سوم، شماره ۳(۱۱)، ۹۹-۱۱۳.
۹. تنانی، محسن و محب خواه، محمد. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار". **مجله پژوهش های تجربی حسابداری**، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۰۵-۱۲۷.
۱۰. ثقفی، علی و عالی فامیان، مجتبی. (۱۳۹۸). "رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی با تاکید بر نقش درماندگی مالی". **مجله پژوهش های تجربی حسابداری**، سال نهم، شماره ۳۳، ۲۲۱-۲۴۴.
۱۱. حاجیان نژاد، امین، هاشمی دهچی، مجید و ایزد پناهی، فاطمه. (۱۴۰۰). "تاثیر توانایی مدیران بر ارتباط ارزشی سود با تاکید بر نقش حاکمیت شرکتی و قدرت بازار محصول". **مجله پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی**، دوره دهم، شماره ۱۸، ۷۳-۹۸.
۱۲. خواجهی، شکراله و قدیریان آرانی، محمد حسین. (۱۳۹۶). "نقش توانایی مدیریت در پیش بینی بحران مالی". **مجله پژوهش های حسابداری مالی**، سال نهم، شماره چهارم، ۸۳-۱۰۱.
۱۳. خواجهی، شکراله، جهان دوست مرغوب، مهران و ویسی حصار، ثریا. (۱۴۰۰). "تاثیر توانایی مدیران بر پیامدهای عدم شفافیت اطلاعات شرکت". **مجله پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی**، دوره دهم، شماره ۱۸، ۱۴۹-۱۸۵.

۱۴. دیانته دیلمی، زهرا، بنی مهد، بهمن و روستایی دره میانه. (۱۳۹۴). "رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله پژوهشنامه مالیات**، دوره ۲۳، شماره ۲۵، ۱۲۳-۱۵۶.
۱۵. رستمی، سعید. (۱۳۹۷). "تأثیر حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بر ورشکستگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله مطالعات مدیریت و حسابداری**، دوره ۴، شماره ۳، ۱۲۳-۱۴۴.
۱۶. رهنمای رودپشتی، فریدون، علی خانی، راضیه و مران جوری، مهدی. (۱۳۸۸). "پیش بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار". **مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۶، شماره ۵۵، ۱۹-۲۳.
۱۷. سالم دزفولی، بابک، اله کرم، صالحی، جرجزاده، علیرضا و نصیری، سعید. (۱۳۹۸). "بررسی تاثیر عدم اطمینان اقتصادی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی". **مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، دوره هشتم، شماره ۳۰، ۹۵-۱۱۶.
۱۸. صفرزاده، محمد حسین و واحدیان، رضا. (۱۳۹۶). "بررسی اثر بحران مالی جهانی بر کیفیت سود". **مجله دانش حسابداری**، دوره هشتم، شماره ۴، ۳۷-۶۴.
۱۹. صفری گرایی، مهدی و رضایی پینه نوئی، یاسر. (۱۳۹۸). "استراتژی تجاری و خوانایی گزارشگری مالی". **مجله حسابداری مالی**، سال یازدهم، شماره ۴۲، ۱۳۰-۱۵۰.
۲۰. طاهری عابد، رضا؛ علی نژاد ساروکلانی، مهدی و فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۷). "توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی". **مجله دانش حسابداری مالی**، دوره ۵، شماره ۲، ۸۵-۱۱۰.
۲۱. کارشناسان، علی، بهرامی نسب، علی و ممشلی، رضا. (۱۳۹۷). "تأثیر بحران مالی بر احتمال گزارشگری متقلبانه و ارزش سهام". **مجله دانش حسابداری مالی**، دوره ۵، شماره ۴، ۱۴۵-۱۶۷.
۲۲. مشایخی، بیتا و حاجی عظیمی، فرزاد. (۱۳۹۷). "اثر بخشی توانایی های مدیریتی بر عملکرد شرکت در مراحل چرخه عمر". **مجله پژوهش های تجربی حسابداری**، سال هفتم، شماره ۲۷، ۲۹-۵۳.
۲۳. مشکلی میاوقی، مهدی، خریدار، سینا و حسن زاده، نغمه. (۱۳۹۷). "بررسی رابطه بین استراتژی راهبری هزینه، رقابت بازار و مدیریت سودهای واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله پیشرفت های حسابداری**، دوره دهم، شماره ۱، ۲۱۸-۲۴۳.
۲۴. مقدم، عبدالکریم و قدردان، احسان. (۱۳۹۸). "بررسی عوامل موثر بر عدم دستکاری سود توسط مدیریت". **مجله مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، دوره هشتم، شماره ۳۱، ۷۴-۵۹.
۲۵. نکوئی زاده، شکوفه؛ دستگیر، محسن و علی احمدی، سعید. (۱۳۹۹). "تأثیر بحران اقتصادی بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل با ارزش و عملکرد مالی؛ نقش ویژگی های گزارشگری مالی شرکت". **مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال هفدهم، شماره ۶۸، ۱-۳۱.

26. Agustia, D., Abdi Muhammad, N., and Permatasari Y. (2020)." Earnings management, business strategy, and bankruptcy risk: evidence from Indonesia". **Journal of Heliyon**, 6(2): e03317.
27. Altman, E.I. (1968)." Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy". **Journal of Finance**, 23(4), 589-609.
28. Andreou, p., D. Ehrlich, and C. louca. (2013)." Managerial ability and Firm performance: Evidence from the global financial crisis". **Working paper. Available at <http://www.mfsociety.org>**
29. Bentley, K.A., T.C. Omer, and N.Y. Sharp. (2013)." Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort". **Contemporary Accounting Research**, 30: 780-817.
30. Dechow, P. M., and Dichev, I. D. (2002)." The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". **The Accounting Review**, 77(s-1), 35-59.
31. Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F., & McVay, S. E. (2013)." Managerial ability and earnings quality". **The Accounting Review**, 88(2), 463-498.
32. Demerjian, P., Lev, B. and MacVay, S. (2012)." Quantifying managerial ability: A new measure and validity test". **Management Science**, 58 (7): 1229-1248.
33. Demerjian, P., Lewis, M., McVay, S. (2017)." How does international earnings smoothing vary with managerial ability?". **Journal of Accounting, Auditing & Finance**, 1-32.
34. Francis, J., Lofond, R. Olsson, P. and Schipper, K.(2005)." The Market Pricing of Accruals Quality". **Journal of Accounting and Economics**, 39(2), 295-327.
35. Gan H. (2018)." Does CEO managerial ability matter? Evidence from corporate investment efficiency". **Rev. Quant. Finance Acc**, 4 ,. 1-34.
36. García, J. M., Beatriz, G. and Penalva, F. (2012)." Accounting conservatism and the limits to earnings management". **Available at <http://ssrn.com/abstract=2165694>**
37. Garcia-Sanchez, Isabel-Maria, Garcia-Meca. (2019)." Do talented managers invest more efficiently? The moderating role of corporate governance mechanisms". **Corp. Gov.**, 26 (4), 238-254
38. Gaynor LI, Kelton AN, Mercer MO, Yohn TE. (2016)." Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality". **Auditing: a Journal of Practice & Theory**, 35: 1-22.
39. Gul. A. F, Khedmati, M, Lim, K, E & Navissi, F. (2018)." Managerial Ability, Financial Distress, and Audit Fees". **Accounting horizons**, 32(1), 29-51.
40. Healy, P. M., and Palepu, K. G., (1993)." The effect of firms' financial disclosure strategies on stock prices". **Accounting Horizons**, 7(1), 1-11.
41. Ittner, C., & Larcker, D. (1997)." Product Development Cycle Time and Organizational Performance". **Journal of Marketing Research**, 34(1), 13-23.
42. Kothari, S.P., Leone, A.J., and Wasley, C.E. (2005)." Performance matched discretionary accrual measures". **Journal of accounting and economics**, 39 (1), 163-197.
43. Lee, C. C. Wang, C. W. Chiu, W. C. & Tien, T. S. (2018)." Managerial ability and corporate investment opportunity". **International Review of Financial Analysis**, 57(3), 65-76.

44. Lim, E. K.Y., K. Chalmers, and D. Hanlon. (2018)." The influence of business strategy on annual report readability". **Journal of Accounting and Public Policy**, 37(1): 65-81.
45. Luisa Costa, A.C., Elisio, B. (2016)." The impact of financial crisis on earnings management: Evidence From Eu 25". **Working Paper**, 578, 870-8541.
46. March, J.G. (1991)." Exploration and exploitation in organizational learning". **Organization Science**, 2(1), 71-87.
47. Miles, R.E., and C.C. Snow. (1978)." Organizational Strategy, Structure, and Process". (**McGraw-Hill, New York, NY**).
48. Penman, S. H. and X.-J. Zhang. (2002)." Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns". **The Accounting Review**, 77(2), 237–264.
49. Porter, M.E. (1996)." What is strategy?". **Harvard Business Review**, 74(6): 61-78.
50. Schipper, K., and Vincent, L., (2003)." Earnings quality". **Accounting Horizons**, 17(Supplement), 97-110.
51. Scholer,F., (2004)." The quality of accruals and earnings and the market pricing of earnings quality". **Working paper arhus school of business**, 13.
52. Treacy, M., Wiersema. F. (1995)." The Discipline of Market Leaders". **Reading, MA: Addison-Wesley**.
53. Yutao, L. , and L. Yan. (2017)." The Contextual Nature of the Association Between Managerial Ability and Audit Fees". **Review of Accounting and Finance**, 16(1), 2-20.



Investigating the Relationship Between the Company's Business Strategies and Management Ability in Times of Financial Crisis with Profit Quality

Seyyed Mahmoud Mousavi Shiri (PhD)

Associate Professor. of Accounting Payame Noor University, Iran

Soghra Sabzi¹©

M.A of Accounting, Imamreza University, Mashhad, Iran

Ehsan Ghadrdan

Instructor of Accounting, Technical and Vocational University(TVU), Tehran, Iran

(Received: May 2, 2022; Accepted: January 9, 2023)

The purpose of this research is to investigate the relationship between the company's business strategies and management abilities with profit quality during the financial crisis (economic recession). For this purpose, the financial crisis is considered as a moderating variable on the relationship between differentiation and cost leadership strategies and the ability to manage profit quality. The current research is of an applied type and the method used in it is a correlational descriptive type and based on the information published by the companies admitted to the Tehran Stock Exchange between 2014 and 2019 and based on a sample of 121 companies, and the statistical method was used. It includes the fitted multivariate regression model. The results of the research hypotheses test indicate that the financial crisis strengthens the relationship between differentiation strategy and profit quality, weakens the relationship between cost leadership strategy and profit quality, and has no effect on the relationship between management ability and profit quality.

Keywords: Business Strategies, Management Ability, Financial Crisis, Profit Quality.

¹ rahasabzi70@gmail.com © (Corresponding Author)